مطالعه تطبیقی سفالینه‌های مراکز سفالگری مِند گناباد و شَهرِضای اصفهان*

امیر نظری[۱]، ایمان زکریایی کرمانی[۲]

۱- کارشناس‌ارشد صنایع‌دستی (نویسنده مسئول)

۲- استادیار دانشگاه هنر اصفهان

چکیده

مطالعه و بررسی سفالگری در روستای «مِند گناباد» و شهرستان «شهرضای اصفهان» به عنوان مراکز سنتی فعال سفالگری در شرق و مرکز ایران دارای اهمیت است. بهره‌گیری از شیوه‌های سنتی تولید و نقش‌اندازی، حضور سفالگران پیش کسوت در کنار سفالگران جوان و تکیه بر اصالت‌های فرهنگی این مناطق، امکان بررسی تطبیقی سفالینه‌های این دو مرکز را فراهم کرده‌است که دارای وجوه مشترک و گاه افتراق در تولید محصولات و نقش‌اندازی بر روی آن می‌باشد. با هدف شناخت بهتر سفالینه‌های این مراکز سفالگری و همچنین مقایسه سفالینه‌های آن، پژوهش پیش‌رو به طرح سوال‌های زیر پرداخته‌است؛ ۱- سفالینه‌های دو مرکز سفالگری «مِند گناباد» و «شهرضای اصفهان» دارای چه ویژگی‌هایی است؟ ۲- در مطالعه تطبیقی سفالینه‌های «مِند گناباد» و «شهرضای اصفهان» وجوه اشتراک و افتراق کدام است ؟

این پژوهش با استفاده از روش توصیفی- تحلیلی و با جمع‌آوری داده‌ها به شیوه میدانی و کتابخانه‌ای صورت گرفته‌است و در تحلیل داده‌ها، مصاحبه‌های سفالگران پیش‌کسوت دو مرکز سفالگری، طبیعت مناطق و باورهای سفالگران مورد توجه قرار گرفته است. با پژوهش صورت گرفته معلوم شد وجوه اشتراک زیادی در شیوه تولید، اعمال لعاب و نقش‌اندازی بر روی سفالینه‌های دو مرکز وجود دارد، تلاش در جهت دست‌یابی به نوعی بدنه‌های معروف به «خمیر سنگی» و موفقیت در زمینه تولید آن، رواج نقاشی زیر لعابی و انواع لعاب تک‌رنگ شفاف و قهوه‌ای و بکارگیری نقوشی مانند ماهی، پرنده و انواع نقوش گیاهی و هندسی متناسب با وضعیت فرهنگی و اقلیمی این مناطق سفالگری از جمله جنبه‌های مشترک هنر آنان می‌باشد. همچنین وجود افتراق در شیوه نقش‌اندازی مانند ترسیم دقیق و ظریف نقوش در سفالینه‌های شهرضا که به نوعی تداعی‌کننده قلم‌گیری‌های نقاشی ایرانی است و کاربرد آزادنه و خلاقانه نقش و رنگ‌گذاری‌های خارج از چهارچوب طرح در مند گناباد بر ویژگی‌های منحصر به فرد سفالگری این مراکز افزوده است و در جایی تفاوت در ساختار آرایه‌های به‌کار رفته و رواج لعاب سبز آبی در شهرضا و بکارگیری مستمر لعاب شفاف بی‌رنگ در مند گناباد به عنوان وجوه تمایز سفالینه‌های این دو مرکز نشان می‌دهد، این مراکز سفالگری در عین شباهت‌های موجود، اصالت‌های منطقه‌ای و فرهنگی خویش را حفظ کرده و دارای هویت و شاخصه‌های منحصر به فردی می‌باشد که دارای تأمل است.

واژه‌های کلیدی: گناباد، اصفهان، سفالگری، سفالگری در مِند گناباد، سفالگری در شهرضای اصفهان، دوره معاصر.

1. Email: amir.nazari35@yahoo.com

2. Email: Iman.zakariaee@gmail.com

* (تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۰۶/۲۱ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۰۹/۲۸)

مقدمه

بررسی تطبیقی سفالینه‌های دو مرکز سفالگری در روستای «مِند» شهرستان «گناباد» واقع در «خراسان رضوی» و شهرستان «شهرضا» واقع در استان «اصفهان» امکان مطالعه بیشتر و شناخت بهتر این مراکز را فراهم خواهد کرد. بازشناسی و مقایسه مرکز سفالگری «مِند گناباد» با پیشینه چند صد ساله در شرق کشور، با سفالگری در «شهرضای اصفهان» که دارای قدمتی مشابه است، از آن رو اهمیت دارد که این مراکز با بهره‌گیری و تداوم شیوه‌های سنتی ساخت و نقش‌اندازی و تولید محصولات کاربردی به عنوان کالاهای فرهنگی مطرح می‌شود که در جایی کارکرد هویتی پیدا کرده‌است. از سویی مطالعه و بررسی سفالگری این مناطق منجر به شناخت شیوه‌های سنتی تولید محصولات خواهد شد که اگر چه در چرخه تولید انبوه قرار می‌گیرد اما از آنجا که حاصل ذوق و خلاقیت سفالگر این مناطق است از زیبایی بی‌بهره نیست و زمانی که سفالگر متأثر از باورها، اعتقادات و طبیعتی که در آن زندگی می‌کند به خلق نقوش می‌پردازد، آثار بدیعی را به نمایش می‌گذارد. از سویی این دو مرکز سفالگری در روندی تاریخی، وام‌دار شیوه‌های سنتی تولید سفالگران گذشته این مناطق بوده‌است، بی‌شک تداوم سفالگری و حیات دوباره آن بسته به همسو شدن با نیازهای روز جامعه و شرایط ایجاب شده در عصر حاضر است که برای ارائه راهکارهایی در این زمینه مطالعه بسترهای اصلی تولید این مراکز مهم می‌نماید. این امر در روند تطبیقی سفالینه‌های این مراکز با یکدیگر، تسریع شده و از آن، نتایج قابل استنادی به‌دست خواهدآمد. همچنین نبود پژوهشی جامع در این زمینه که به بررسی تطبیقی سفالینه‌های این مراکز بپردازد، نگارندگان را بر آن داشت تا مطالعه‌ای در خور انجام دهند. با هدف بررسی سفالینه‌های دو مرکز، مقایسه و شناخت جایگاه این سفالینه‌ها با یکدیگر، در جهت دست‌یابی به وجوه مشترک و افتراق آنان، نگارنده سعی دارد سفالینه‌های این مراکز را در سه بستر، «ساخت و تولید»، «نقش‌اندازی، تزیینات» و «اعمال لعاب و انواع آن» مورد بررسی قرار دهد تا از این منظر تاثیر محیط و اقلیم، فرهنگ خاص مناطق و خلاقیت‌های فردی، در دو مرکز سفالگری مورد تحلیل قرار گیرد که در یک سیر تاریخی از شیوه‌های سنتی مشترکی در تولید بهره می‌گیرند اما به نظر می‌رسد وجود مولفه‌های برشمرده باعث ایجاد افتراقاتی در محصولات نهایی شده‌است، از این رو با طرح نظریه بالا به ارائه سوالات زیر می‌پردازد:: ۱- سفالینه‌های دو مرکز سفالگری «مند گناباد» و «شهرضای اصفهان» که در دو نقطه متفاوت در شرق و مرکز ایران با بهره‌گیری از روش‌های سنتی به تولید می‌پردازد، دارای چه ویژگی‌ها و جایگاهی است؟ ۲- وجوه تشابه و افتراق سفالینه‌های «مند گناباد» و «شهرضای اصفهان» کدام است و ریشه در چه عواملی دارد؟

پژوهش پیش‌رو که به اعتبار مطالعات تطبیقی در حوزه هنرهای سنتی و صنایع‌دستی در بخش سفالینه‌های دو مرکز سفالگری فعال در شرق و مرکز ایران صورت گرفته است، میراث سفالگران سنتی‌کار این مناطق را مورد بررسی و مقایسه قرار داده‌است. نخست به معرفی سفالگری در «مند گناباد» و «شهرضای اصفهان» پرداخته است و پس از آگاهی دادن در حوزه تولیدات سفالینه‌ها، ساخت و اعمال لعاب، نقش‌اندازی و معنا شناخت نقوش، به تطبیق آن پرداخته‌است، در این میان وجوه اشتراک و افتراق سفالینه‌ها مدّ نظر قرار گرفته است تا از این مسیر به تقویت ارزش‌های فرهنگی و بومی سفالینه‌ها کمک شود، همچنین به ارتباط سازنده این دو مرکز سفالگری با یکدیگر منجر خواهد شد. لازم به ذکر است انتخاب دو مرکز سفالگری مورد تطبیق به صورت اتفاقی نبوده و سفالگری در این مراکز دارای ویژگی‌های بومی و منطقه‌ای بوده و کمتر دستخوش تغییرات شده‌است، همچنین تداوم روش‌های سنتی ساخت در آن قابل مشاهده است. از سویی بکارگیری انواع لعاب در این مراکز و نقوش متنوع بر گرفته از فرهنگ و طبیعت این مناطق باعث شده‌است تا در جهت انتخاب و تطبیق آن با یکدیگر بکوشد. نگارندگان معتقدند در مورد سایر مراکز سنتی سفالگری ایران نیز تشابهات و طبیعتاً

افتراق‌هایی وجود دارد که امکان تطبیق و مقایسه ویژگی‌های آن را فراهم خواهدکرد.

پیشینه تحقیق

در مورد سفالینه‌های مند گناباد، تحقیقاتی صورت گرفته است، از جمله می‌توان به پژوهش زمانی (۱۳۵۱) تحت عنوان «هنر سفالسازی در مند گناباد» اشاره کرد که تا حدودی اطلاعاتی مربوط به چند دهه قبل سفالینه‌های روستای مند را در اختیار ما قرار می‌دهد، همچنین شیخی و آشوری (۱۳۸۷) در پژوهش خود «تبیین ویژگی‌های فنی و هنری سرامیک روستای مند شهرستان گناباد » از لحاظ فنی به بررسی سفالگری مند پرداخته‌اند، لباف خانیکی (۱۳۷۵) نیز در تحقیق خود تحت عنوان«پژوهشی در سفال مند گناباد» در مورد سفالینه‌های این منطقه به پژوهش پرداخته است. همچنین نظری و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهش خود با نام«بررسی سفالگری معاصر شهرضا و تبیین عناصر فنی آن» به بررسی سفالگری معاصر شهرضا پرداخته‌اند که در آن روند شکل‌گیری و سیر تاریخی سفالینه‌های این مرکز و فرایند تولید محصولات، مورد مطالعه قرار گرفته‌است و در این تحقیق از آن بهره گرفته‌است، از سویی لازم به ذکر است از آنجا که تطبیق هنرهای سنتی مناطق مختلف ایران که در یک حوزه به فعالیت می‌پردازند در سال‌های اخیر متداول شده، به نظر می‌رسد نکات ارزنده‌ای را در برداشته‌است، میر شفیعی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای تحت عنوان«بررسی تطبیقی روند تولید سرامیک فیروزه‌ای معاصر ایران در مناطق تبریز و شهرضا» ارائه شده در همایش ملی هنر اسلامی بیرجند، به بررسی لعاب فیروزه‌ای رایج در سفالینه‌های این مراکز و عیوب آن پرداخته‌است که صرفاً از حیث فنی به بخشی از تولیدات این دو منطقه و تطبیق آن‌ها با یکدیگر پرداخته است، همچنین، نظری، زکریایی و شفیعی (۱۳۹۳) در کتابی تحت عنوان«سفالگری در بلوچستان ایران» با پژوهش در سه مرکز سفالگری،«کَلپورگان سراوان»، «کوهمیتَگ شهرستان سرباز» و «هولَنچَکان شهرستان قصر قند» به بررسی، مطالعه و تطبیق سفالینه‌های این مراکز پرداخته‌اند. در تحقیق پیش‌رو، سفالینه‌های دو مرکز رایج و هم‌عصر در شرق و مرکز ایران مدِّ نظر قرار گرفته‌است که از شیوه‌ها و الگوهای یکسانی در ساخت و تزیین بهره می‌گیرند لیکن، وجود شرایط فرهنگی و اقلیمی و تفاوت‌های فردی افتراق‌هایی را به دنبال داشته‌است که نگارندگان براساس آن، با مهم دانستن نقش مطالعات تطبیقی در زنده نگه داشتن و شناخت بهتر هنر سفالگری این مناطق به مقایسه سفالینه‌های دو مرکز پرداخته‌اند.

روش تحقیق

این پژوهش از نظر هدف می‌تواند جزو پژوهش‌های بنیادی توسعه‌ای قرار گیرد آن‌جا که در یک نگاه کلّی توسعه و گسترش دانش و هنر سفالگران «مِند گناباد» و «شهرضای اصفهان» را به‌دنبال خواهد داشت، اما روش تحقیق توصیفی- تحلیلی است و جمع‌آوری داده‌ها به صورت میدانی، مصاحبه با پیشکسوتان سفالگر و منابع مکتوب موجود بوده‌است. در این پژوهش، با تکیه بر مشاهدات میدانی و جمع‌آوری مستنداتی در مورد سفالینه‌های دو مرکز «مند گناباد» و «شهرضای اصفهان»، تعداد ۳۴ کارگاه سفالگری مورد بازدید قرار گرفت تا در مجموع با انتخاب ۶ کارگاه فعال و دارای پیشینه، در این دو منطقه به عنوان نمونه‌های مورد تطبیق، از پراکندگی یافته‌ها جلوگیری شود. همچنین داده‌های تحقیق صرفا براساس میزان فراوانی و سابقه در بکارگیری در میان سفالگران، گزینش شده‌است تا از اعمال سلیقه نگارندگان خودداری به عمل آید. در روند بررسی تطبیقی نیز، نخست با ارائه مبسوط از سفالینه‌های دو مرکز اطلاعاتی در اختیار مخاطب قرار گرفته‌است تا در ادامه در فرآیند تطبیق در سه حوزه ساخت و تولید، اعمال لعاب و رنگ‌های متنوع آن و همچنین تزیینات، به همراه شیوه‌های نقش‌زنی قرار گیرد.

مطالعه‌زمینه‌های جغرافیایی، تاریخی‌وفرهنگی‌پژوهش

استان خراسان رضوی در شرق کشور قرار دارد و شهرستان گناباد در جنوب این استان و هم مرز با استان خراسان جنوبی قرار گرفته است. روستای «مند» در سه کیلومتری شمال شهرستان گناباد واقع است. اغلب مردم این روستا به شغل کشاورزی مشغولند و از جمله هنرهای دستی این روستا، فرشبافی دستی، نساجی سنتی و رنگرزی سنتی و سفالگری است که بخش پر رنگ هنرهای سنتی این روستا را به خود اختصاص داده است. از سویی دیگر استان اصفهان در مرکز کشور و در مسیر ارتباطی شهرهای زیادی قرار دارد، اصفهان دارای تاریخی پر افتخار به خصوص در زمینه هنرهای مختلف است. شهرستان شهرضا، در جنوب این استان دارای سابقه تاریخی در زمینه سفالگری است. بر این اساس، «مند گناباد» در شرق کشور و «شهرضای اصفهان» در مرکز کشور به عنوان مراکز فعال و شاخص سفالگری در دوره معاصر مورد مطالعه قرار گرفته است.(تصویر ۱)

تصویر ۱: نقشه جغرافیایی مند گناباد و شهرضای اصفهان در شرق و مرکز کشور (http:/Wikipedia.org)

۴)سفالگری در حوزه‌های مطالعاتی

۴-۱)سفالگری در مند گناباد

روستای «مند» به نوعی تنها مرکز سفالگری فعال در شرق کشور است که اگر چه دارای فراز و فرودهایی بوده‌است، امّا توانسته‌است در تثبیت روش‌های سنتی و بومی سفالگری بکوشد و آن را زنده نگه دارد. در مورد قدمت سفالگری در این روستا اگر چه به طور قطع و یقین نمی‌توان تاریخ دقیقی برشمرد، ولی طبق صحبت‌های مردم منطقه و سفالگران پیش کسوت، سفالگری در این روستا پیشینه‌ای چند صد ساله دارد، بنا بر گفته عباس زمانی و بر طبق نظر ریش سفیدان و بزرگان محل، «مند» در گذشته، بسیار بزرگتر از حال بوده و به مرور کوچک شده‌است و روستای فعلی «مند»، در حدود ۳۲۰ سال پیش شکل گرفته و از همان زمان نیز سفالگری رواج داشته‌است. اما به استناد شواهد موجود و قطعات زیاد سفال‌هایی که در دشت «پَشَن»[1]در چهل کیلومتری شمال شرقی «گناباد»، پراکنده و منسوب به هزاره سوم قبل از میلاد است و نیز سفال‌هایی که در سطح قلعه «فرود»، در سی کیلومتری جنوب غربی و سطح «قلعه دختر» در پانزده کیلومتری شمال شرقی آن وجود دارد نشان می‌دهد که در قبل از اسلام سفال در آن حوزه مورد مصرف قرار می‌گرفته و احتمالاً تولیدات محلی و بومی گناباد بوده‌است (زمانی، ۱۳۵۱ : ۱۱).

شیخی به نقل از فروهر نور ماه بیان می‌دارد «فعالیت سفالگران «مند» به همان شیوه قدیمی تا سال ۱۳۴۷ هـ ش ادامه داشته‌است تا اینکه با ایجاد سازمان صنایع دستی و توسعه فعالیت‌های آن در استان‌های کشور، این سازمان پس از شناسایی سفال «مند»، اقدام به ساخت کارگاه‌هایی در حاشیه جاده «مند» نموده و تعاونی سفال‌سازان «مند» را ابتدا با ۱۲ کارگاه تاسیس کرده‌است. سپس کارگاه‌هایی به آن افزوده شد که با رشد تولیدات و صادرات آن به خارج از استان و کشورهایی از جمله، فرانسه، ژاپن، ایتالیا، امریکا و آلمان، شاهد دوره‌ای درخشان برای تولید و فروش محصولات سفالی مند بوده‌ایم» (شیخی، آشوری، ۱۳۸۷ : ۴۲). امروزه تعداد

کارگاه‌های فعال سفالگری در مند، به یازده عدد ختم می‌شود که از این تعداد، چهار کارگاه در داخل روستا و بقیه در حاشیه جاده اصلی گناباد قرار دارد. اغلب تولیدات عبارت است از ظروف کاربردی، «قاب و قدح،کاسه، بشقاب، پارچ و لیوان، فنجان، قندان، کوزه آبخوری، خمره، قلیان، کشک ساب، تغار و تغارچه، ظرف ماست‌بندی» و سفالینه‌های تزیینی شامل «کاشی تزیینی، ابریق و ریتون، گلدان، پیه‌سوز» است (تصویر۲). همچنین، جنس بدنه‌های سفالی در گذشته به دو صورت رایج بوده‌است، بدنه‌های رسی و بدنه‌های سفید پخت[۲] که به «خمیر سنگی»[۳] یا «بدل چینی» معروف است. امروزه حجم وسیعی از تولیدات مند گناباد با خاک رس[۴] تهیه می‌شود و بدنه‌های خمیر سنگی به خصوص، به روش ساخت گذشته آن، مورد استفاده قرار نمی‌گیرد، تنها در معدود کارگاه‌هایی به صورت سفارشی‌وآن‌هم‌به‌روش‌وترکیبات‌جدید تولیدمی‌گردد.[۵] انواع لعاب در سفالینه‌های مند شامل لعاب‌های شفاف[۶] و مات[۷] می‌باشد که لعاب شفاف با شیوه نقاشی زیر لعاب[۸] که معمولاً با نقاشی اکسیدهای رنگی بر روی بدنه سفالی و پس از آن، پوشاندن نقش با لایه‌ای از لعاب شفاف صورت می‌گیرد در روش دیگر، ابتدا با لایه‌ای از لعاب مات سفید روی سفال را می‌پوشانند و سپس با اکسیدهای رنگی روی آن نقاشی می‌کنند که به رولعابی[۹] معروف است لازم به ذکر است، در گذشته، لعاب به صورت سنتی در مند ساخته می‌شد ولی امروزه اکثر لعاب‌ها به صورت فریتی[۱۰] و آماده تهیه می‌شود. انواع نقوش به‌کار رفته در سفالینه‌های مند، شامل نقوش برگرفته از طبیعت، گیاهی، هندسی و جانوری می‌باشد، که هر کدام کارکردهای خاص خود را دارد و در بعضی از نقوش، تکیه بر اصالت نقش بوده و ملهم از بافت فرهنگی و جغرافیایی «مند» است و از گذشته تا حال هویت خویش را حفظ کرده‌است و بعضی از نقوش نیز سابقه طولانی نداشته و به نظر می‌رسد از سایر مناطق اقتباس شده‌است.(جدول۱) کوره پخت سفالینه‌ها در «مند» به صورت سنتی و با استفاده از سوخت گاز و نفت کوره می‌باشد.

تصویر ۲: بخشی از تولیدات سفالی مند گناباد
(مأخذ، نگارندگان : ۱۳۹۱)

۴-۲) سفالگری در شهرضای اصفهان

در کنار سایر تولیدات صنایع‌دستی شهرستان «شهرضا» شامل «دست‌بافته‌ها» و انواع «زیلوها»، امروزه سفالگری به عنوان هنر رایج سفالگران این منطقه، نقش پر رنگی در توسعه هنر، فرهنگ و اقتصاد این شهر داشته‌است. سفالگری که دارای پیشینه‌ای غنی در شهرضا است دست کم رواج و رونق آن به دوره صفویه و پس از آن بر می‌گردد، اگر چه وجود بقایای سفالینه‌ها در مناطق کاوش شده باستانی این شهر، از گذشته چند صد ساله آن می‌گوید.

«وجود خاک رس فراوان و نیازمندی مردم شهرضا در دوره‌های مختلف تاریخی به ظروف سفالی، خود عاملی برای رونق سفالگری در این منطقه بوده‌است. از سویی قرارگرفتن شهرضا بر سر راه ارتباطی اصفهان، شیراز که از پایتخت‌های تاریخی و مراکز پرجمعیت شهری ایران محسوب می‌شدند، خود عاملی برای توسعه سفالگری این منطقه به شمار می‌آمد »(نظری و همکاران، ۱۳۹۳: ۲).

در حال حاضر سفالگران شهرضا که این حرفه و هنر را از اجداد خویش و به صورت نسل به نسل آموخته‌اند، به شیوه سنتی تولید، مشغولند. در مجموع ۲۶ کارگاه سفالگری در شهرضا دایر است که از این تعداد، تنها یک کارگاه به کار کاشی‌پزی هفت‌رنگ می‌پردازد و بقیه کارگاه‌ها به کار تولید انواع

ظروف و تنورسازی می‌پردازند. اغلب محصولات با استفاده از خاک رس ساخته شده که از محل تامین می‌شود ولی در گذشته «بدل چینی» یا «خمیر سنگی» نیز رواج داشته است که روش تولید آن به صورت سنتی و بومی بوده‌است و تقریبا شبیه به ساخت بدنه‌های خمیر سنگی در «مند» گناباد است. امروزه کمتر از این نوع بدنه‌ها استفاده می‌شود و در صورت سفارش، در ساخت این بدنه‌ها، از ترکیبات جدید استفاده می‌شود.[11] انواع تولیدات در دو بخش کاربردی شامل انواع ظروف، بشقاب، کاسه، قاب و قدح، قندان، لیوان، قوری، کوزه آبخوری، ظرف ماست‌بندی، کاشی، قلیان، تنورسازی[21] و ... است و در بخش سفالینه‌های تزیینی، انواع سفالینه‌های مشبک وگلدان جای می‌گیرد.(تصویر۳) انواع لعاب شامل لعاب شفاف- لعاب کرم رنگ- لعاب سبز- لعاب فیروزه‌ای، لعاب زرد است که در گذشته، به صورت کاملا سنتی و به صورت بومی تهیه می‌شد اما امروزه اکثر این لعاب‌ها از پودر کردن شیشه تلویزیون بدست می‌آید.[31] سفالینه‌های شهرضا اغلب به صورت نقوش زیر لعابی و هفت رنگ یا نقاشی روی لعاب، شامل نقش ماهی، گل و بوته، اسلیمی و ختایی، پرنده، گنجشک (مرغی) و گاهاً مناظر طبیعی، تزیین می‌شود.(جدول ۲) کوره‌های پخت به صورت سنتی است و سوخت اغلب کوره‌ها نفت کوره و گاز است.

تصویر ۳: بخشی از تولیدات سفالی شهرضا (مأخذ، نگارندگان :۱۳۹۳)

۵) تحلیل تطبیقی در دو حوزه مطالعاتی

در ادامه پس از شرح مختصری که در مورد سفالینه‌های دو مرکز سفالگری ذکر شد به تطبیق سفالینه‌ها از حیث جنبه‌های فنی تولید و نقش‌اندازی پرداخته‌شده و در نهایت ویژگی نقش، تکنیک ساخت و مفاهیم نقوش در ارتباط با یکدیگر مورد تحلیل قرار گرفته‌است تا از این منظر شناخت جامع‌تری از سفالینه‌های این مناطق به دست آید.

جدول ۱: انواع نقش و ویژگی رنگ و لعاب در سفال مند (مأخذ، نگارندگان : ۱۳۹۳)

منبع الهام‌نقش	بنیان دیداری نقش	نام نقش	ویژگی نقش و شیوه اجرا
نقوش جانوری	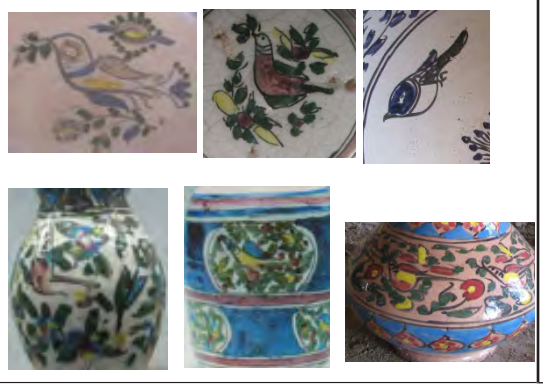	پرنده(مرغی- بلبل- جُغوک- گل و مرغ)	جزو نقوش با قدمت مند محسوب می شود- در دو شیوه زیر لعابی و نقاشی روی لعاب اجرا می‌شود-ابتدا نقش با اکسید منگنز و ترکیب آن با آکسید آهن دور گیری‌شده و سپس نقش با اکسیدهای رنگی نقاشی می‌شود- بیشتر در ترکیب با نقش گُل استفاده می‌شود-

نقوش جانوری	ماهی (ماهی و درخت زندگی- ماهی و گل)		جزو نقوش با قدمت و پرکاربرد مند است- با دو شیوه زیر لعابی و رولعابی کار می‌شود- به صورت گردان و همراه با گل به کار می‌رود-
	عقرب- مار و شیر		جزو نقوش منسوخ شده می‌باشد که در ۵۰ سال گذشته به کار گرفته می‌شده‌است- با دو شیوه نقاشی زیرلعابی و رو لعابی کار می‌شده‌است-
نقوش ملهم از طبیعت	خورشید خانم		جزو نقوش پرکاربرد و جدید مند است- شبیه به نقوش میبد یزد و لالجین همدان-
	درخت و گل		جزو نقوشی است که در حال حاضر کمتر استفاده می‌شود.
	سروی یا جقه	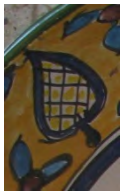	جزو نقوشی است که بیشتر در حاشیه‌ها استفاده می‌شود-
نقوش گیاهی	نقوش گیاهی شامل(گل گرد-گل چهارگوش- گل لاله-گل کدو- گل کتبه-گل محمدی- گل و برگ و ساقه برگی)		جزو نقوش پر کاربرد است- در قالب اشکال مختلف نمود پیدا می‌کند- در مرکز و گاهی در حاشیه سفالینه‌ها به‌کار می‌رود-با دو شیوه نقاشی زیر لعابی و رولعابی به کار می‌رود-

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

نقوش هندسی		محرمات-خونه‌کشی-شطرنجی-یکودو-افندی-گل سرخی-هفت و هشت-ماریچ و اسلیمی	نقوش هندسی بیشتر در حاشیه‌ها کاربرد دارد- با دو شیوه زیرلعابی و رولعابی کار می‌شود-تنوع رنگی زیادی دارد-

جدول ۲: انواع نقوش سفالینه‌های شهرضا و ویژگی نقش و لعاب آن

منبع الهام نقش	بنیان دیداری نقش	نام نقش	شیوه اجرای نقش
نقوش گیاهی		گل و بوته-گل و مرغ	شیوه اجرای نقش رولعابی و هفت رنگ است که در آن نقش مورد نظر با اکسیدهای رنگی مختلف نقاشی می‌شود.
			شیوه نقش‌کنده یا خراش‌دادن نقش در مرحله چرمینه سفال و قبل از پخت با نقاشی زیر لعابی تلفیق شده است.
			نقش به صورت افزوده قبل از پخت سفال و در مرحله چرمینه صورت گرفته‌است.
			نقاشی زیر لعابی با لعاب فیروزه‌ای صورت گرفته است.
مناظر طبیعی		ساربان و شتر-بناهای تاریخی اصفهان	نقاشی روی لعاب و به صورت هفت رنگ صورت گرفته است. استفاده از رنگ روغن بر روی گلدان مقابل به چشم می خورد.
اسلیمی ختایی		پیچک - اسلیمی	نقش به صورت برجسته کاری ایجاد شده است.
نقوش جانوری		نقش ماهی گردان	شیوه اجرای نقش به صورت زیر لعابی و رولعابی است.
	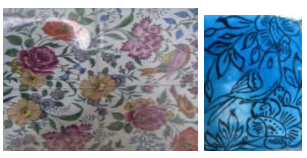	مرغی- گل و مرغ	

در تنظیم جدول فوق از مقاله «سفالگری معاصر شهرضا و تبیین عناصر فنی آن» استفاده شده است. (مأخذ، نظری و همکاران، ۱۳۹۳).

۵-۱) مطالعه شاخصه تطبیقی سفالینه‌ها از نظر تولید، انواع لعاب و نقش‌اندازی

سفالینه‌های مراکز سفالگری «مند» و «شهرضا» دارای وجوه مشترکی در ساخت و نقش‌اندازی است، همچنین وجود تمایزاتی در شیوه ساخت و عمل آوری سفالینه‌های این مناطق، که شکل دهنده هویت سفالگری آنان است، ما را بر آن داشته تا به مقایسه این ویژگی‌ها بپردازیم.

۵-۱-۱) شاخصه ارتباط یا اشتراک

الف: سفالینه‌های «مند گناباد» و «شهرضای اصفهان» از نظر شیوه تامین مواد اولیه بدنه، شبیه یکدیگر است و در هر دو مرکز، از بدنه‌های رسی استفاده می‌شودکه از معادن روباز نزدیک مناطق سفالگری، تامین می‌گردد. استفاده از بدنه‌های سفید در هر دو مرکز به ندرت و به صورت سفارشی صورت می‌گیرد. این در حالی است که گناباد دارای معادن کائولن فراوانی است که در گذشته، به علت عدم آشنایی و دسترسی به آن مورد استفاده سفالگران قرار نگرفته‌بود و کماکان سفالگران برای ساخت بدل‌های چینی مرسوم، به روش سنتی ساخت اقدام می‌کردند. استفاده از بدنه‌های سفید پخت، تلاش سفالگران ایرانی در جهت دست‌یابی به بدنه‌های ظریف با تخلخل پایین را نشان می‌دهد که در دوره‌های مختلف و به خصوص از دوره سلجوقی به بعد صورت گرفت. در دوره سلجوقی «سفالگران با استفاده از کائولن و سنگریزه‌های کوارتز برای سخت کردن بدنه تلاش کردند» (پوپ، ۱۳۸۷ : ۱۷۵۶). این می‌تواند اولین تلاش‌ها برای دستیابی به بدنه‌های سفید پخت باشد که منجر به تولید «بدل چینی» شد.

ب: شیوه غالب، در تولید سفالینه‌ها در هر دو مرکز چرخکاری است که سفالگران هر دو منطقه این شیوه را به صورت تجربی نزد اجداد یا استادان خویش آموخته‌اند. اکثر تولیدات هر دو منطقه را ظروف کاربردی تشکیل می‌دهد. همچنین، کار ساخت سفالینه‌ها در هر دو منطقه بر عهده مردان است.

ج: شیوه اعمال لعاب در هر دو منطقه، مشترک و به صورت نقاشی زیر لعاب و نقاشی رو لعابی و گاهی، شیوه نقاشی هفت رنگ است. شیوه تأمین انواع لعاب نیز در میان سفالگران این مناطق شبیه یکدیگر است و لعاب‌های فریتی بیشترین کاربرد را دارد. در لعاب‌های هفت رنگ هر دو منطقه جوهر رنگی[۱۴] آماده مورد استفاده قرار می‌گیرد که اگر چه کار را برای سفالگر تسهیل کرده اما کیفیت رنگ‌های دست‌ساز سابق را ندارد.

استاد هادی توسلی از سفالگران پیشکسوت روستای «مند» می‌گوید «در گذشته بخش اعظمی از اکسیدهای رنگی به خصوص رنگ سبز، زرد و سیاه، توسط خود سفالگران ساخته می‌شد که کیفیت بالاتری داشت.»[۱۵] سفالگران شهرضا نیز کیفیت اکسیدهای رنگی گذشته را نسبت به حال مناسب‌تر می‌دانند و از جمله رنگ‌هایی که تولید آن از گذشته تا حال به صورت بومی بوده‌است، رنگ مشکی است که از «سیاه قلم»[۱۶] تهیه می‌شود.[۱۷]

د: ابزار نقش‌اندازی در هر دو مرکز مشترک و به شیوه سنتی است. معمولاً این ابزار مانند قلم مو توسط روش‌های سنتی از موی یال الاغ تهیه می‌شود.

ه: کوره‌های پخت سفالینه‌ها در هر دو منطقه به صورت سنتی با سوخت نفت کوره و گاز است. همچنین تأسیس کارگاه‌های سفالگری در مسیر جاده‌های اصلی در هر دو منطقه باعث رونق فروش و کسب کار بهتر شده‌است. از سویی علاقه‌مندان به این هنر با سهولت بیشتری می‌توانند به این مراکز دسترسی داشته‌باشند.

۵-۱-۲) شاخصه تمایز

الف: در ساخت سفالینه‌های شهرضا، گاه در کنار استفاده از چرخ سفالگری از روش قالب‌گیری نیز استفاده می‌شود. در صورتی که در مند گناباد، تنها روش مرسوم ساخت، چرخکاری است. در «شهرضا» تنورسازی و ساخت قلیان و محصولات جانبی آن نیز در کنار سایر تولیدات به چشم می‌خورد، در صورتی که در «مند» از جمله ظروف سفالی متمایز از شهرضا که بسیار

پر کاربرد نیز می باشد، کشک ساب است که متناسب با سنت غذا خوری مردم منطقه کاربرد دارد.

ب: انواع لعاب در «مند گناباد» به دو لعاب شفاف و مات تقسیم می‌شود که بر اساس آن شیوه لعاب‌زنی به صورت زیر لعابی (با لعاب شفاف بدون اکسید رنگی) و شیوه نقاشی روی لعاب است، در صورتی که در سفالینه‌های «شهرضا» استفاده از اکسیدهای رنگی در لعاب شفاف، نقاشی روی لعاب و لعاب تک رنگ مرسوم است. همچنین در سفالینه‌های شهرضا انواع تزیینات مانند، نقش افزوده، شباک‌کاری، نقش تراشیده،[۱۸] به‌کار گرفته می‌شود که در سفالینه‌های «مند»، مرسوم نیست. همچنین استفاده از لایه یا انگوب[۱۹] در سفالینه‌های شهرضا متداول است ولی در سفالینه‌های «مند»، هرچند در گذشته رایج بوده‌است اما در حال حاضر، از این شیوه به ندرت استفاده می‌کنند.

ج: نقش‌اندازی بر روی سفالینه‌های «مند گناباد» به صورت آزادانه‌تر و به‌خصوص در مرحله رنگ‌گذاری بین خطوط، به صورت لکه‌گذاری‌های سریع صورت می‌گیرد و در قید چهارچوب خطی نقش، نیست که به نوعی می‌شود گفت سبک یا شیوه خاص سفالگران «مند» است. در سفال «شهرضا» رنگ‌گذاری بین خطوط قلم‌گیری شده، با دقت بیشتر و با رعایت چهارچوب خطی طرح صورت می‌گیرد .(تصویر۴) البته نمی‌توان این ویژگی را برای یک مرکز سفالگری به عنوان حُسن و برای دیگری به عنوان ضعف کار در نظر گرفت، نگارندگان معتقدند، مراکز مختلف سفالگری با پیروی از شیوه خاص خود، در نقش اندازی، تداوم و تثبیت آن روش، به نوعی در جهت ارایه شیوه‌ای بومی و منطقه‌ای کوشیده‌اند که هویتشان محسوب می‌شود. براین‌اساس طرح نظریه وجود شیوه‌ها و سبک‌های رایج سفالگری به خصوص در حیطه نقش‌اندازی در سفالینه‌های مناطق ایران و در دوره‌های مختلف جای تأمل دارد.

تصویر ۴: سمت راست و وسط پایین، سفال مند. سمت چپ و وسط بالا، سفال شهرضا (مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۱).

به نظر می‌رسد نقش‌اندازی بر روی سفالینه‌های «شهرضا» از سنت نگارگری ایرانی و نقاشی گل و مرغ بی‌بهره نیست، آنجا که در دورگیری طرح و رنگ‌گذاری نقش، دقت و ظرافت‌های نقاشی ایرانی را می‌توان دنبال کرد. در اثبات این ادعا به طرح این نظریه می‌پردازیم، از آنجا که در دوره صفویه به بعد خیل نقاشان و نگارگران به سوی نقش‌اندازی سفالینه‌ها روانه شد بعدها این شیوه رایج نقش‌اندازی در مراکز سفالگری همجوار اصفهان دنبال شد.

«همزمان با دوره شاه‌عباس، طراحان برجسته‌ای که در نقش‌اندازی روی پارچه‌ها و قالی‌ها مهارت کمتری داشتند، احتمالا برخی از تواناترین آن‌ها به تزیین سفالینه‌ها روی آورده‌بودند و این امر نشان می‌دهد که طراحان در زمان خودشان تنها به عنوان طراح برتری نداشتند. وجود صدها کاشی، بشقاب، کاسه از ساوه، قباچه و قمشه (شهرضا) نزدیک‌ترین نمونه‌ها به شیوه رضا عباسی هستند که سفالگران می‌توانند به آن‌ها دست یابند» (پوپ: ۱۳۸۷:۱۸۷۵).

د: در فرایند ساخت و تهیه لعاب در مراکز سفالگری مورد بررسی، سفالگران «مند»، لعاب‌هایشان را به صورت فریتی و لعاب‌های آماده تهیه کرده و با افزودن رنگ‌های مختلف آماده تنوع رنگ‌های مورد استفاده در شیوه زیر لعابی را به‌دست آورند و در جایی می‌توان گفت سفالگران «مند» هیچگاه تجربه ساخت و استفاده لعابی با افزودن اکسید مس و اکسید آهن را ندارند، از این‌رو اکثر لعاب‌های آن‌ها به صورت شفاف

و با نقاشی اکسیدهای رنگی زیر آن ارائه می‌شود. «هادی توسلی» از سفالگران «مند» در جواب نگارندگان بر پرسشی مبنی بر دلیل استفاده نکردن از لعاب‌های تک رنگ آبی یا سایر اکسیدهای فلزی، بیان می‌دارد «سفالگران مند بنا بر اقتضاء و ویژگی سفال این منطقه ترجیح می‌دهند از شیوه نقاشی زیر لعاب شفاف استفاده کنند که رنگ کرم و قهوه‌ای می‌دهد. او ادامه می‌دهد این رنگ با طبیعت و کویر منطقه هماهنگی دارد و از گذشته تا حال مورد استفاده بوده و سفالگران مند، ترجیح می‌دهند بر این سنت باقی بمانند.»[۲۰] در سفال شهرضا برای تهیه لعاب، معمولاً از پودر کردن شیشه تلویزیون استفاده می‌کنند که با افزودن اکسید مس و سایر اکسیدهای فلزی لعاب‌های چشم‌نوازی بدست می‌آورند.[۲۱] از جمله این لعاب‌ها، رنگ آبی یا سبز آبی سفالینه‌های شهرضاست که مخاطبان زیادی دارد. سفالگران شهرضا نیز این رنگ را می‌پسندند و از آن به عنوان هویت سفالینه‌های شهرضا نام می‌برند و معتقدند سفال شهرضا با رنگ خاص سبز آبی‌اش، جایگاه خود را در بین مخاطبان باز کرده است.[۲۲] به طور کلی می‌توان گفت تنوع رنگ و لعاب در «شهرضا» نسبت به «مند» بیشتر است. این نکته به دو صورت خودش را نشان می‌دهد، اول اینکه سفالگران «مند» بر طبق یک سنت و روش قدیمی که از اجدادشان به ارث برده‌اند عمل کرده و از لعاب‌های آبی، فیروزه‌ای و سبز استفاده نمی‌کنند و دوم اینکه دانش عمل‌آوری ساخت این نوع لعاب در آن‌ها نسبت به سفالگران «شهرضا» کمتر است. همچنین در میان سفالگران شهرضا به طور معدود، استفاده از رنگ و روغن و نقاشی با آن بر روی سفالینه‌ها به خصوص نقاشی روی قلیان و گلدان نیز مرسوم است. البته استفاده از این روش در میان اکثر سفالگران مردود شمرده می‌شود ولی به علت سهولت کار بعضی سفالگران به آن مبادرت می‌ورزند. این شیوه در میان سفالگران «مند»، مورد استقبال نیست.

۵-۲) مطالعه شاخصه تطبیقی سفالینه‌ها از نظر نقش

سفالگران «مند» و «شهرضا» بر طبق یک سنت دیرینه، با بهره‌گیری از انواع نقش، در جهت زیبایی سفالینه‌ها می‌کوشند و در جایی دیگر می‌توان اشاره کرد این نقوش دارای مفاهیمی است که مبتنی بر بافتی که در آن شکل گرفته، بازشناختنی است. براین‌اساس نگارندگان معتقدند نقوش سفالینه‌های این مراکز از آنجا که بر مبنای فرهنگ ایرانی- اسلامی و قومیت مشترک شکل گرفته می‌تواند دارای ساختار مشترک باشد، چه بسا این نقوش بر اساس مراودات اجتماعی، میان سفالگران مناطق مختلف ایران،[۲۳] از جایی به جای دیگر منتقل شده‌است و یا موضوعی مشترک، متناسب با موقعیت فرهنگی، جغرافیای و اجتماعی هر منطقه نمود پیدا کرده‌است که شکل‌دهنده هویت و در بردارنده اصالت آن قوم است و منجر به تمایزاتی شده‌است. از این‌رو مطالعه وجوه مشترک و تمایز نقوش این مناطق نتایج قابل توجهی را به دنبال خواهد داشت.

۵-۲-۱) شاخصه ارتباط یا اشتراک

الف: به طور کلی سفالینه‌های هر دو منطقه از نقوش گیاهی، جانوری، هندسی، اسلیمی و مناظر طبیعی بهره می‌گیرند و تزیینات و استفاده از نقش در سفالینه‌های هر دو منطقه به فراوانی به چشم می‌خورد.

ب: نقش ماهی و پرنده در سفالینه‌های هر دو مرکز بیشترین کاربرد را دارد و به دفعات، گاه به صورت منفرد و گاه در کنار یکدیگر و با ترکیب و ساختاری هماهنگ، به کار می‌رود.

ج: اکثر نقوش به‌کار گرفته شده در سفالینه‌های دو مرکز از بافت فرهنگی این مناطق الهام گرفته‌است که در جایی ارتباط میان هنرهای مختلف را در یک گستره زمانی نشان می‌دهد. به عنوان مثال نقوش گیاهی و هندسی سفالینه‌های «مند» در هنر فرشبافی و منسوجاتشان نیز دیده می‌شود، به خصوص نقش‌هایی که عنوان «کتیبه»، «بته‌جقه»، و «اسلیمی» به خود گرفته در قالی‌بافی گناباد دیده می‌شود. نقش پرنده نیز که در سفالینه‌های این منطقه دارای قدمت است در گچبری‌های

مسجد جامع گناباد مربوط به دوره خوارزمشاهیان می‌توان مشاهده کرد. (تصویر۵) در سفالینه‌های شهرضا نیز نقوشی چون گل و مرغ و مناظر طبیعی با موضوعیت بناهای تاریخی ریشه در نقاشی و نگارگری ایرانی و به خصوص سبک نقاشی دوره صفوی دارد.

تصویر ۵: سمت راست، سفال مند، وسط فرش دستبافت مند گناباد، سمت چپ سر در وردی مسجد جامع گناباد (مأخذ، نگارندگان، ۱۳۹۲).

و: در ترسیم انواع نقوش دو منطقه سفالگری، بهره‌گیری از کیفیت‌های بصری چون، نظم، ریتم، تقارن، تناسب، حرکت نقوش بر گرداگرد سفالینه‌ها باعث استحکام بصری نقوش شده‌است. در این میان، سفالگر به فضاهای خالی و پُر میان نقوش توجه دارد و به نظر می‌رسد از نوعی دانش بصری برخوردار است که به صورت تجربی به‌دست آمده‌است. این امر خودش را در هماهنگی نقش و فرم و ارتباط منطقی میان آن‌ها نیز نشان می‌دهد. به عنوان نمونه سفالگران «مند»، در استفاده و چینش رنگ‌ها در نقوش، به میزان درخشندگی و تیرگی رنگ‌ها توجه دارند و معمولاً رنگ زرد را در بین رنگ‌هایشان به میزان کم و برای جلوگیری از خفگی نقش استفاده می‌کنند. سفالگران شهرضا نیز رنگ آبی و فیروزه‌ای را جذاب و نیرومند می‌دانند و در لعاب‌زنی سفالینه‌ها از آن بیشتر استفاده می‌کنند.

۵-۲-۲ شاخصه تمایز

الف: در سفالینه‌های « مند» در کنار سایر تزیینات، نقش «خورشید خانم» نیز متداول است، که به نظر می‌رسد جزو نقوشی است که از سایر مناطق سفالگری ایران اقتباس شده است. (جدول ۱) از جمله محتمل است این نقش از سفالینه‌های «مَیبُد یزد» گرفته شده‌باشد که به فراوانی در آن مرکز سفالگری دیده می‌شود. در مورد پیشینه این نقش در سفالینه‌های ایران باید گفت قدمت آن به پیش از تاریخ برمی‌گردد و اولین نمونه به‌کارگیری آن بر روی سفال «نمونه‌ای است از خورشید آریایی که در آثار هزاره پنجم و چهارم پیش از میلاد مسیح در شوش در استان خوزستان یافت شده‌است (حاتم، ۱۳۷۴ : ۳۷۰). به نظر می‌رسد امروزه نیز این نقش، در سفالینه‌های «مند»، کارکردی اعتقادی دارد. «سفالگران مند، ارتباط آن را با سایر نقوش خودشان به‌جا می‌دانند و با توجه به کویری بودن این منطقه، جزو نقوشی است که از یکی از پدیده‌های طبیعی تاثیرگذار در زندگی مردم منطقه گرفته شده است.»[۲۴] در شهرضا اما از این نقش به ندرت استفاده شده و نمی‌توان گفت جزو نقوش رایج این منطقه است.

ب: نقش ماهی که از نقوش پرکاربرد دو منطقه است، در این مراکز با دو نوع متفاوت جلوه می‌کند. نقش ماهی در سفال «شهرضا» دارای انحناء و سیالّ‌تر از نقش ماهی «مند» است. به نوعی آزادانه‌تر حرکت کرده و پویایی بیشتری دارد. (تصویر ۶) معمولاً با شیوه زیرلعابی و به صورت تک‌رنگ نمایش داده می‌شود اما در «مند» ابتدا دورگیری شده و درون آن با رنگ‌های مختلف نقاشی می‌شود (تصویر ۷). در مورد حضور این دو نقش باید اشاره کرد تاریخچه دقیق استفاده از نقش ماهی بر روی سفالینه‌ها مشخص نیست ولی از جمله نقوشی است که در دوره‌های مختلف سفالگری ایران به کار رفته و به نظر می‌رسد، کارکردی آیینی و اعتقادی دارد، به عنوان مثال حضور نقش ماهی در کنار درخت زندگی در سفالینه‌های «مند» ریشه در اعتقادات اسطوره‌ای مردم ایران و این منطقه دارد.(تصویر۸)«نقش ماهی که در نزد ایرانیان باستان نماد زندگی است در قالب طرح‌های هنری پس از اسلام جایگاه ویژه خود را حفظ کرد که شاید ارتباط نزدیک و باطنی ایرانیان از نمادهای تجسمی است که جزء تفکیک ناپذیری از هنر آن‌ها نیز گردید» (شایسته‌فر،۱۳۸۶: ۱۲). همچنین «ماهی نماد حاصلخیزی و باروری نیز می‌باشد» (هال، ۱۳۸۰:۱۰۰).

و در جایی «ماهی سرخ و غیر سرخ، در نماد شناختی ایرانی، نشانی از زندگی دارد و از آن رو در کنار هفت‌سین نوروز، سرآغاز زندگی دوباره طبیعت است و حضور ماهی از میان این همه حیوانات، اشاره‌ای به این آغاز است» (حیدری شکیب و همکاران، ۱۳۹۱، ۶۱). به حال امروزه نقش ماهی در دو مرکز سفالگری بدون توجه به خاستگاه اولیه آن یکی از پرکاربردترین نقوش است و کارکردی هویتی پیدا کرده‌است. همچنین نقش ماهی در سایر مراکز سفالگری چون «میبد یزد» و «لالجین همدان»، «اصفهان» و «نطنز» به کار گرفته می‌شود.

تصویر ۶: نقش ماهی در سفال شهرضا (نگارندگان: ۱۳۹۳).

تصویر ۷: نقش ماهی در سفال مند (نگارندگان: ۱۳۹۲).

تصویر ۸: نقش ماهی و درخت زندگی در سفال مند (نگارندگان: ۱۳۹۲).

ج: نقش پرنده نیز که در سفالینه‌های دو مرکز مورد استفاده قرار می‌گیرد، در سفالینه‌های «مند» جسورتر، تیز پرواز و به نوعی می‌شود گفت، وحشی‌تر نسبت به پرنده‌ای است که در سفالینه‌های شهرضا به‌کار می‌رود. شاید یکی از دلایل این نکته، الهام‌گیری سفالگران این منطقه از پرندگانی است که درحوالی آنان و کویر این منطقه به پرواز درمی‌آیند.[۲۵] به طور کلی پرنده در هر دو منطقه منبع الهام سفالگران است و در طبیعت این مناطق به وفور یافت می‌شود. به بیان حجازی«شهرضا دارای آب و هوای معتدل و باغات بسیاری است و اغلب در آمد مردم آن ازمحصولات کشاورزی است.» (حجازی، ۱۳۷۵ : ۱۹و ۲۰). بی‌شک در چنین موقعیتی وجود باغات متعدد ایجاب می‌کند تا زیستگاه پرندگان مختلف باشد، که منبع الهام سفالگران شهرضا قرار گرفته‌است. نگارندگان معتقدند، به طور کلی ضرب آهنگ سریع نقش‌زنی و نوع رنگ‌گذاری سفالگر «مند» تداعی شیوه «امپرسیونیسم»[۲۶] در نقاشی را دارد که از لکه‌گذاری رنگ‌ها در کنار یکدیگر تبعیت می‌کند که نکته قابل توجهی است. (تصویر ۹) در تکمیل این نظریه باید اشاره کنیم، این شیوه رنگ‌گذاری یا به نوعی اعمال لعاب در مند گناباد، در میان اکثر سفالگران عمومیت دارد، سرعت بالای اجرای نقش و در کنار آن عدم توجه دقیق به خطوط محیطی نقش در مرحله رنگ‌گذاری و در بسیاری مواقع از بین رفتن یا محو شدن این خطوط در مرحله پایانی در زیر قشری از رنگ‌های مختلف، به ویژگی نقش‌زنی سفالگران مند، تبدیل شده‌است. (تصویر ۱۰) شاید تصور بر این باشد که این موضوع شاید از عدم توانایی سفالگران این منطقه در اجرای دقیق نقش نشأت گرفته‌است، در حالی که سفالگران این منطقه در بسیاری از مواقع در خلق آثار سفارشی مهارت خود در اجرای دقیق نقش را نشان داده‌اند. به نظر می‌رسد این کار ویژگی و سبک پذیرفته شده سفالگران مند است که برای مخاطب محلی نیز شناخته شده‌است، لکه‌گذاری‌های رنگی که در برخی موارد شاید تشخیص واضح و صریح نقش را نیز به چالش می‌کشد، امروزه در مند گناباد اقبال جمعی دارد.

در این بین دانش بصری سفالگر که اتفاقاً به صورت تجربی نیز کسب کرده‌است، همواره به کمک او آمده تا با دریافتی که از درخشش رنگ و درجه‌بندی آن دارد، ابتکار و ذوق بکارگیری رنگ‌های مختلف در کنار یکدیگر را داشته‌باشد به نحوی که به بیان بصری زیبای آن کمک کند. از این رو گاه شاهد بکارگیری دو رنگ مکمل مانند « نارنجی - آبی» و «قرمز - سبز» در کنار یکدیکر هستیم.

تصویر ۹: نقش با پوشش لعاب در سفالینه‌های مند گناباد (ماخذ، نگارندگان : ۱۳۹۳).

تصویر ۱۰: سمت راست و تصویر وسط بالایی، سفالگر شهرضایی به همراه نقش زیر لعابی. سمت چپ و تصویر وسط پایین، سفالگر مند به همراه رنگ‌گذاری نقش (مأخذ، نگارنده : ۱۳۹۳).

در سفالینه‌های شهرضا نقش پرنده، بیشتر در کنار گل و گیاه و منطبق بر ساختار نقاشی‌های گل و مرغ به‌کار گرفته می‌شود و دارای جثه‌ای بزرگتر از پرنده سفالینه‌های «مند» است و به نوعی رامتر و اهلی‌تر است. انظباط در طرح، قلمگیری‌های پرقدرت، رنگ‌گذاری دقیق، از جمله ویژگی‌های این نقش است.(تصویر ۱۱)

تصویر ۱۱: نقش پرنده بر روی سفالینه‌های شهرضا (مأخذ، نگارندگان : ۱۳۹۳)

و: در نقوش منظره‌ای «مند»، که امروزه کمتر مشاهده می‌شود و به صورت سفارشی انجام می‌گیرد، بیشتر، باغ و درخت و حیواناتی، چون مار و عقرب و شیر ترسیم می‌شود. (تصویر ۱۲) در صورتی که در سفالینه‌های شهرضا، این موضوعات، به ساربان و شتر و بناهای تاریخی اصفهان تعمیم پیدا می‌کند. (تصویر ۱۳) در هر دو منطقه منبع الهام این نقوش طبیعت و محیطی است که سفالگر در آن زندگی می‌کند. هر چند در جایی می‌تواند این نقوش حاصل باور و اعتقادات سفالگر نیز باشد.

تصویر ۱۲: نقوش منظره‌ای در سفالینه‌های مند گناباد، سمت راست دهه اخیر، وسط، نقوش منظره‌ای برگرفته از طبیعت مند گناباد، قدمت پنجاه سال.

تصویر ۱۳: سمت چپ، نقوش منظره‌ای در سفال شهرضا (مأخذ، نگارنده : ۱۳۹۳).

از سویی نباید نادیده گرفت که با توجه به نزدیکی شهرضا به اصفهان، به نظر می‌رسد سفالگران این منطقه تا حدودی تحت تاثیر سفالگران شهر اصفهان نیز بوده و در نقاشی کردن سفالینه‌ها از روش آنان بهره گرفته‌اند. این امر به خصوص از دوره صفویه به بعد صدق می‌کند، در این مورد بیان کرده‌اند پس از دستور شاه عباس و حمایت آن از فراگیری فنون سفالگری در میان علاقه‌مندان، «چیزی نگذشت در یک

دوره نسبتاً کوتاه حکّام قمشه (شهرضا) عده‌ای از چرخکاران و طراحان به اصفهان رفتند و نقش و لعابکاری روی ظروف سفالی را آموختند. این دوره را می‌توان دوره یادگیری اصول فنی سفالگران شهرضا و رشد تکنیکی سفالگری آنان نامید که می‌توانست در رشد و بالندگی سفالگری این منطقه موثر باشد» (نظری و همکاران، ۱۳۹۳ : ۶).

د: نقوش هندسی در سفالینه‌های «مند»، بیشتر از سفالینه‌های شهرضا به‌کار گرفته می‌شود و بیشتر این نقوش در حاشیه و لبه‌های داخلی و بیرونی ظروف قرار می‌گیرد.

جدول ۳: تطبیق سفالینه‌ها در مراکز سفالگری «مند گناباد» و «شهرضای اصفهان»

ردیف	انواع ویژگی	مراکز سفالگری	وجوه اشتراک	وجوه تمایز
۱	ساخت و تولیدات	مند شهرضا	تولید سفالینه‌ها به روش چرخ کاری در اولویت است- استفاده از خاک رس برای بخش اعظمی از تولیدات- منسوخ شدن ساخت بدل چینی به شیوه سنتی در هر دو منطقه، مگر به صورت سفارشی آن هم تولید به شیوه جدید- استفاده از اکسید رنگی یا جوهر رنگی به صورت آماده در هر دو مرکز و منسوخ شدن ساخت آن به روش سنتی-ابزار نقش‌اندازی در هر دو مرکز مشترک است- کوره‌های پخت به صورت سنتی و با سوخت نفت کوره و گاز- اغلب تولیدات کاربردی است و شامل ظروف می‌شود- ساخت کارگاه‌های سفالگری در مسیرهای پر تعدد و جاده‌های اصلی باعث رونق کسب و کار و افزایش میزان فروش شده‌است-	در شهرضا علاوه بر تولید به روش چرخ‌کاری بر خلاف مند از روش‌های قالبی و پرس دستی نیز استفاده می‌شود -در شهرضا بر خلاف مند که تا ۳۰ سال پیش کاشی سازی رونق داشت ساخت کاشی هفت رنگ در جریان است- در مند گناباد ۲ لعاب شفاف بدون رنگ و مات سفید باعث بوجود آمدن لعاب سفید و یا به رنگ آجری و کرم می‌شود اما در شهرضا علاوه بر این لعاب‌ها و رنگ‌ها، تنوع لعابی با ظروف و سفالینه‌های تک رنگ آبی و فیروزه‌ای و قهوه‌ای بیشتر است- به‌کارگیری انگوب و یا لایه کردن سفالینه‌ها در مند منسوخ شده ولی در شهرضا جزو یکی از مراحل اصلی کار برای به‌دست آوردن لعاب آبی است. نقش‌اندازی در مند آزادانه‌تر و رهاتر است و در شهرضا این کار به صورت دقیق‌تر و منظم‌تر و با وسواس بیشتری صورت می‌گیرد- در شهرضا تنورسازی نیز رونق دارد- در شهرضا علاوه بر تجمع کارگاه‌ها در مسیر جاده منتهی به شیراز بعضی کارگاه‌ها در کنار امام زاده‌ها تجمیع شده‌است.
۲	نقش	مند شهرضا	در سفالینه‌های هر دو منطقه نقوش گیاهی – جانوری- هندسی- اسلیمی و مناظر طبیعی به‌کار گرفته می‌شود-نقش ماهی و پرنده جزو نقوش پر کاربرد است- الهام‌گیری نقوش از طبیعت و بافت فرهنگی منطقه رایج است- بهره‌گیری نقوش از عناصر بصری و کیفیت‌های بصری ریتم- تناسب- تقارن و نظم– کسب دانش بصری سفالگران به صورت تجربی- همچنین استفاده از نقوش ماهی و پرنده در سفالینه‌های هر دو منطقه سبقه تاریخی داشته و ریشه در باورها و اسطوره‌های ایرانی دارد-	نقش خورشید خانم جزو نقوش اقتباسی گناباد به نظر می‌رسد و بیشتر از شهرضا به‌کار گرفته می‌شود- نقش ماهی در شهرضا دارای انحنا و پویایی بصری بیشتری نسبت به سفالینه‌های مند است در شهرضا این نقش زیر لعاب آبی‌رنگ انرژی فزاینده‌ای دارد و این خود تاثیر رنگ آبی و بعد زیباشناخت آن را می‌رساند- در سفال مند نقوش عقرب و مار و شیر که در حال حاضر زیاد مورد استفاده قرار نمی‌گیرد از طبیعت و اعتقادات سفالگران بهره گرفته‌است و در جایی استفاده از مناظر طبیعی و بناهای تاریخی در نقوش سفال شهرضا ریشه در فرهنگ و باور آنان دارد- نقوش هندسی در سفالینه‌های مند بیشتر از سفالینه‌های شهرضا به‌کار گرفته شده‌است- در نقوش سفالینه‌های مند جدا از تقدم زمانی آن، تاثیر هنرهایی چون فرش‌بافی، منسوجات و گچبری دیده می‌شود در حالی که در نقوش سفالینه‌های شهرضا گرایش به سمت نگارگری ایرانی بیشتر است هر چند در جایی از این رویکرد فاصله گرفته‌است.

(مأخذ، نگارندگان : ۱۳۹۳)

نتیجه‌گیری

مطالعه تطبیقی سفالینه‌های دو مرکز سفالگری فعال در شرق و مرکز کشور نشان داد، بهره‌گیری از شیوه‌های سنتی تولید، مبنا قرار دادن نیاز مردم منطقه در تولیدات، باعث شده‌است تا اشتراکات زیادی در تولیدات سفالی مناطق «مند گناباد» و «شهرضای اصفهان» بوجود آید. براساس شباهت‌های موجود، می‌توان به وجود رابطه نزدیک میان سفالینه‌های این مراکز سفالگری پی برد. که در (جدول۳) قابل مشاهده شده‌است، تلاش سفالگران دو منطقه در جهت دست‌یابی به نوعی «بدل چینی» به روش بومی و سنتی قابل تحصین است اگر چه پس از دست‌یابی به شیوه تولید و رواج آن تا چند دهه گذشته، امروزه به واسطه سختی تولید به شیوه سنتی، تولیداتی از این دست منسوخ شده‌است. استفاده از شیوه لعاب‌زنی به صورت غوطه‌وری و استفاده از ابزار نقش‌اندازی در هر دو مرکز، اگر چه در ادامه سنت لعاب‌زنی گذشته است، امّا به‌کارگیری لعاب‌های فریتی یا آماده و جوهرهای رنگی، به نوعی فاصله‌گرفتن از شیوه‌های سنتی تولید لعاب است که در جای خودش معایبی نیز دارد. به عنوان مثال در شهرضا بخش اعظمی از تولیدات سفالی با استفاده از لعاب‌های پوشش می‌یابد که از پودر کردن شیشه تلویزیون بدست می‌آید.

انواع فرم در سفالینه‌های هر دو مرکز بر طبق سنت‌های گذشته تعریف شده و از آنجا که شیوه قالب ساخت، چرخکاری است، شکل ظروف و سفالینه‌ها شبیه به هم، مدور افقی و ایستاده‌است. تنها در «شهرضا» تنورسازی به شیوه متداول خود و ساخت انواع کشک‌ساب در «مند» وجه تمایز در نوع تولیدات است.

نقش‌اندازی و نوع تزیینات به‌کار رفته در سفالینه‌ها، در تداوم سنت‌های گذشته سفالگری این مناطق است و با حفظ اصالت شیوه، تفاوت‌هایی با یکدیگر دارد، در «مند»، تکنیک غالب نقش‌اندازی و تزیینات، نقاشی روی لعاب و نقاشی زیر لعاب است، در «شهرضا» علاوه بر این، شیوه‌های نقش افزوده، نقش تراشیده، مشبک و لعاب تک‌رنگ نیز مرسوم است. همچنین در تداوم شیوه گذشته سفالگری شهرضا، استفاده از لایه کردن یا انگوب بر روی بدنه‌ها، جهت دست‌یابی به لعاب آبی و فیروزه‌ای، رایج، ولی در «مند» این روش که در گذشته برای به‌دست آوردن بدنه‌های سفید جهت نقاشی کردن بر روی آن صورت می‌گرفت، منسوخ شده‌است و بیشتر از لعاب مات سفید استفاده می‌شود. از این‌رو لعاب سبز آبی و فیروزه‌ای امروزه بخشی از هویت سفالینه‌های شهرضا محسوب می‌شود و در کنار آن لعاب‌های قهوه‌ای و کرم رنگ «مند» گناباد که با شیوه زیر لعابی نقاشی می‌شود بخشی از اصالت نقش و لعاب سفالینه‌هایشان را به نمایش گذاشته‌است.

نقوش به‌کار رفته در سفالینه‌های دو مرکز، بیشتر گیاهی، حیوانی، هندسی و مناظر و اشیاء طبیعی است با این ویژگی که نقش ماهی و پرنده در سفالینه‌های دو مرکز بیشترین نمایش را دارد و به نوعی با حفظ ویژگی‌های بصری نقش در هر منطقه، به بخشی از هویت سفالینه‌های این مناطق تبدیل شده‌است. سایر نقوش نیز در ارتباط با طبیعت منطقه و بافت فرهنگی این مراکز با حفظ مؤلفه‌های بومی ظاهر می‌شوند. نقش «خورشیدخانم» در «مند»، نمایش بیشتری نسبت به سفالینه‌های «شهرضا» دارد و حضور این نقش در سفالینه‌های این مراکز نشان می‌دهد ارتباط سفالگران مناطق مختلف ایران گاه منجر به حضور نقوش و رابطه میان عناصر و مؤلفه‌های شکل دهنده سفالینه‌ها می‌شود، البته در این مورد، این مقاله قصد نداشته به تقدم زمانی نقوش در تاثیرپذیری آنان از یکدیگر بپردازد. همچنین نگارندگان در حین پژوهش بر روی سفالینه‌های این مناطق متوجه شدند سفالگران این مراکز شیوه خاص نقش‌زنی خودشان را دارند که تداوم و عمومیت داشتن این ویژگی‌ها در میان سفالگران مناطق مورد پژوهش، سبک و سیاق خاص آنان را رقم زده‌است که از آن باید به عنوان بخش متمایز کننده سفالینه‌های «مند گناباد» و «شهرضای اصفهان» نام برد که این تمایزها در مجموع هویت سفالینه‌های این مناطق را شکل داده‌است. همچنین نگارندگان در مسیر پژوهش به این نتیجه رسیدند که اگر

چه دو مرکز سفالگری مند گناباد در شرق کشور و شهرضای اصفهان در مرکز ایران بر طبق سنت‌های مرسوم در سفالگری ایران، ویژگی‌های مشترکی در ساخت و نقش‌اندازی و در جایی انواع نقش دارند انواع بهره‌گیری از مؤلفه‌هایی چون فرهنگ، اقلیم و محیطی که سفالگر در آن زندگی می‌کند خود افتراق‌هایی در نوع نمایش نقش و تزیینات و گزینش نقوش مختلف، متناسب با سنت‌های هر منطقه را به دنبال داشته‌است.

در مجموع شناخت و مقایسه سفالینه‌های این دو مرکز به ظرفیت‌های بالقوه سفالگری سنتی به خصوص در بخش توریسم و گردشگری اشاره دارد. نگارندگان معتقدند، سرامیک سنتی مناطق ایران قابلیت تبدیل شدن به یک «اکو توریسم» را دارد که هر مرکز سفالگری به عنوان حلقه‌های متصل به یکدیگر، با حفظ شباهت‌ها و تاکید بر رابطه میان آن‌ها و همچنین وجود تمایزات میان آن‌ها بر هویت بومی و منطقه‌ای آن تاکید داشته‌است و بی‌شک در جذب مخاطب و رونق این مناطق سفالگری، در جای جای ایران اسلامی، مفید خواهد بود.

تشکر و قدردانی

با سپاس فراوان از اهالی مهمان‌نواز روستای «مند گناباد» و شهرستان «شهرضا» و همچنین سفالگران سخت کوش این مراکز که در انجام مراحل تحقیق نگارندگان را یاری کردند.

پی‌نوشت‌ها

۱- شامل سه تپه باستانی است که کاوش‌هایی از طرف سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی در آن صورت گرفته است (مجتبوی،۱۳۸۹ : ۱۴۲).

2- earthenware

3- Ston paste

4- clay

۵- تولید بدل چینی در ۴۰ سال گذشته در مند گناباد رایج بود و سفالگران ترکیبی از سیلیس- گل سرشور و گدازآور استفاده می‌کردند که گدازآور را از گیاه اشنون و بدست آوردن قلیاب تهیه می‌کردند و بعداً شیشه را جایگزین آن کردند. امروزه بدل چینی موجود ترکیبی از کائولن، سیلیس، بنتونیت و فلاکس می‌باشد که سفالگران به صورت آماده تهیه می‌کنند.

6- transparant

7- opacke

8- underglaze

9- Overglaze on-glaze

۱۰- به لعاب‌های آماده‌ای می‌گویند که یک‌بارحرارت دیده و آماده کاربرد هستند. از این‌رو مواد حل‌شونده در آب مانند سودا- براکس یا مواد سمی مانند ترکیبات سرب و غیره را توسط ذوب کردن به سیلیکاتهای غیرمحلول تبدیل می‌کنند، به طوری که سمی بودن یا حل‌شوندگی آن‌ها کاملا بر طرف می‌شود (fritted glaze).

۱۱- بدنه ظروف بدل چینی در گذشته شهرضا، ترکیبی بود از: ۷۰ درصد سنگ چخماق (سیلیس)+ ۲۰درصد شیشه+ ۱۰درصد گل بوته (بنتونیت) که در دمای ۱۰۰۰ تا ۱۰۵۰ درجه سانتیگراد پخته می‌شد. سنگ چخماق مورد نیاز را از کوه «واژ نان» و منطقه «سولار» تهیه می‌کردند و «گل بوته» مورد نیاز را از منطقه سجزی اصفهان به دست می‌آوردند (نظری و همکاران، ۱۳۹۳ : ۸).

۱۲- در حال حاضر تنورسازی در شهرضا مختص به سفالگر به‌خصوص برادران فخار و عموعلی است که این روش را از اجدادشان به ارث برده‌اند (مصاحبه حضوری نگارندگان با مرتضی فخار، شهریور ۱۳۹۳).

۱۳- برای کسب اطلاعات بیشتر رجوع شود به مقاله «بررسی سفالگری معاصر شهرضا و تبیین عناصر فنی آن» تالیف نظری و همکارانش، ۱۳۹۳- فصلنامه هنرهای سنتی اسلامی- شماره ۱).

14- estain

۱۵- مصاحبه با هادی توسلی در کارگاه سفالگری مند گناباد،(تیرماه ۱۳۹۲).

۱۶- اکسیدمنگنز +کرومات آهن

۱۷- مصاحبه نگارنده با محمدرضا سهیل در محل کارگاه سفالگری شهرضا (دی‌ماه ۱۳۸۹).

18- Sgrafito

19- engobe

۲۰- مصاحبه نگارندگان با استاد هادی توسلی در کارگاه سفالگری مند گناباد، (تیرماه ۱۳۹۲).

۲۱- در مورد چگونگی شیوه تولید این لعاب‌ها، به طور مفصل در مقاله «بررسی سفالگری معاصر شهرضا و تبیین عناصر فنی آن» چاپ شده در شماره اول فصلنامه هنرهای سنتی اسلامی بیان شده‌است.

۲۲- مصاحبه حضوری نگارندگان با مهدی سهیلی سفالگر شهرضایی (شهریورماه ۱۳۹۳).

۲۳- استاد هادی توسلی از سفالگران پیشکسوت مند می‌گوید همواره با سفالگران مناطق مختلف مراوداتی داشته‌ایم و گاه سفالینه‌هایی را از مراکز مختلف برای فروش به مند می‌آوریم و در قبال آن، سفالینه‌های مند را برای فروش به آنان می‌دهیم (مصاحبه نگارندگان با هادی توسلی، مند، شهریور ۱۳۹۳).

۲۴- برگرفته از مصاحبه حضوری نگارندگان با برادران امیری در روستای مند (تیر ۱۳۹۳ مند گناباد).

۲۵- از جمله پرندگانی که در این منطقه زیست دارند، چُغوک و پرستو است که سفالگران، نقوش پرنده را منتسب به آن می‌دانند و بلبل نیز آرمان سفالگران است (مصاحبه حضوری نگارندگان با حسن شجاعی، مند گناباد : تیر ماه ۱۳۹۲).

26- Impressionism

فهرست منابع

• پوپ، آرتور اپهام. (۱۳۸۷). **سیری در هنر ایران**. (فاطمه کریمی، مترجم). تهران: انتشارات علمی و فرهگی.

• حجازی، علیرضا. (۱۳۷۵). **سیمای شهرضا**. قم: انتشارات پارسیان.

• مجتبوی، سیدحسن. (۱۳۸۹). **جغرافیای تاریخی گناباد**. مشهد: نشر مرندیز.

• هال،جیمز. (۱۳۸۰). **فرهنگ نگاره‌ای نمادها**. (مترجم ، رقیه بهزادی). تهران، فرهنگ معاصر.

• شایسته‌فر، مهناز. (۱۳۸۶). «نقش‌مایه‌های تزیینی سفالینه‌های دوره ایلخانان موزه ایران باستان». فصلنامه هنرهای تجسمی. شماره(۲۷).

• شیخی، علیرضا. آشوری، محمدتقی. (۱۳۸۷). «تبیین ویژگی‌های فنی و هنری سرامیک روستای مند شهرستان گناباد»، فصلنامه تحلیلی پژوهشی نگره، شماره ۸ و ۹.

• حاتم، غلام‌علی. (۱۳۷۴). «نقش و نماد در سفالینه‌های کهن»، مجله هنر، شماره ۲۸،ص۱۱.

• حیدری شکیب، رضا، افروغ، محمد و میرکمالی، الهام(۱۳۹۱). «جایگاه نگاره تزیینی نقش ماهی در هنر و فرهنگ ایرانی». کتاب ماه هنر، ش ۱۶۴.

• لباف خانیکی، مجید. (۱۳۷۵). «پژوهشی در سفال مند گناباد». پژوهش منتشر نشده زیرنظر میراث فرهنگی گناباد.

• زمانی، عباس. (۱۳۵۱). «هنر سفال‌سازی در مند گناباد»، نشریه هنر و مردم، شماره ۱۱۹ و ۱۲۰.

• میرشفیعی، سید محمد. (۱۳۹۰). « بررسی تطبیقی روند تولید سرامیک فیروزه‌ای معاصر ایران در مناطق تبریز و شهرضا» . همایش ملی هنر اسلامی، دانشگاه بیرجند.

• نظری، امیر، زکریایی‌کرمانی، ایمان و شفیعی سرارودی، مهرنوش. (۱۳۹۳). «بررسی سفالگری معاصر شهرضا و تبیین عناصر فنی آن»، فصلنامه علمی پژوهشی هنرهای سنتی اسلامی، شماره اول.

مصاحبه‌ها

• نگارندگان. (شهریور ۱۳۹۳) مصاحبه حضوری با هادی توسلی سفالگر روستای مند. مصاحبه چاپ نشده.

• _____ . (تیر ۱۳۹۲) مصاحبه حضوری با برادران امیری

سفالگران روستای مند. مصاحبه چاپ نشده.
•_____ . (تیرماه ۱۳۹۲) مصاحبه حضوری با حسن شجاعی سفالگر روستای مند. مصاحبه چاپ نشده.
• _____ . (دی ماه ۱۳۸۹) مصاحبه حضوری با محمد رضا سهیل سفالگر شهرضا. مصاحبه چاپ نشده.
•_____ . (شهریور ۱۳۹۳) مصاحبه حضوری با مهدی سهیلی سفالگر شهرضا. مصاحبه چاپ نشده.
•_____ . (شهریورماه ۱۳۹۳) مصاحبه حضوری با مرتضی فخار سفالگر شهرضا. مصاحبه چاپ نشده.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

Comparative Study in Active Rural Pottery Centers of Mend Gonabad & Shahreza in Isfahan in Iran

Amir Nazari [1], Iman Zakariaee Kermani [2]

1- Ma of Art in Handicrafts (Corresponding Author)

2- Assistant Professor of Art University of Isfahan

Abstract

The study on pottery in the village of "Mend Gonabad" and the city "Shahreza in Isfahan," is important traditional active centers of pottery in East and Central Iran. The use of traditional production methods and the drawing methods according to the cultural originality of these areas has provided pottery the possibility of comparative study of these two centers. The purpose of this study is to identify the impact of patterns and designs on the achievement of specific procedures set up in these areas pottery. With this approach, the research has raised these questions.

1- What are the characteristics Potteries in Two pottery center "Mend Gonabad" and "Shahreza "?

2- Which is Matching indicators in the production and pottery designs " Mend Gonabad " and "Shahreza "?

This research using descriptive and analytical methods with a data collection methods by conducted field and library. In the data analysis, interviews ringmaster potters, two pottery centers, nature regions and beliefs potters are considered. The authors believe that a certain practices in potteries design of these two center is common, hence variety of drawing methods and practices to achieve a specific style, has been considered and analyzed. Several researches are indicated, there are a lot of similarities in the mode of production, apply glaze and etching on two Potteries centers, trying to achieve a airframes known as the "stone-paste" and the spread of painting under the glaze with a variety of designs in both center is index. In the style designed pottery also features native pottery is lead to discrimination and the creation of a particular style design. The most important characteristic is the outlining of accurate and elegant motifs in Potteries "Shahreza " that is somehow reminiscent of Persian painting. As well as freely Application and creatively drawing and coloring away from framework of the plan in Potteries "Mend Gonabad" is determined a special style.

Key words: Gonabad, Isfahan, Pottery, Pottery in Mend Gonabad, Pottery in Shahreza in Isfahan, Contemporary.

1- Email: amir.nazari35@yahoo.com

2. Email: Iman.zakariaee@gmail.com

(**Date Received:** 2015/09/12 - **Date Accepted:** 2015/12/19)